

تنش‌های قومی ماورای مرزها،
(چشم‌اندازهای چین و روسیه از اوضاع
پیچیده‌ی آسیای مرکزی)*

الف) معرفی کتاب

گردآورندگان این مجموعه مقالات
روبن عزیزان و یانگ جین زانگ^۱
استادان دانشکده‌ی علوم سیاسی
دانشگاه اوکلند^۲ هستند. این کتاب در
آغاز راه مورد توجه محققین روسی و
چینی قرار گرفته و به همین سبب
نویسندگان روسی و چینی در نوشتن
این مجموعه تلاش زیادی به خرج
داده‌اند. این کتاب در سال ۱۹۹۸ تألیف
شده و توسط انتشارات مک میلان^۳ با
همکاری کالج آنتونی دانشگاه آکسفورد^۴
به چاپ رسیده است. کتاب از چهار
بخش و دوازده فصل به شرح زیر
تشکیل شده است. تقسیم‌بندی کتاب و
فصل‌بندی‌ها در یک ارتباط موضوعی
با یکدیگر قرار دارند. این کتاب سعی

* Ethnic Challenges Beyond Borders;
Chinese and Russian Perspectives of the
Central Asian Conundrum
1- Roben Azizain & Young jin Zhang
2- Auckland
3- Macmilan Press LTD
4- ST Antont's College, Oxford

**تنش‌های قومی ماورای
مرزها**

روبن عزیزان

و

یانگ جین زانگ

معرفی و نقد کتاب:

از نقطه نظر سیاسی می‌زنند. نوع نگرش مقامات روسیه، براساس نقطه نظرانی است که سیاستمداران و محققین روسی از کشورهای تازه استقلال یافته دارند، و طیف‌های عمده با دیدگاه‌های متفاوت را مطرح می‌کنند. در بخش بعدی این فصل، سیاست‌های روسیه در قبال کشورهای آسیای میانه از زمان میخائیل گورباچف^۲ تا بوریس یلتسین^۳ مورد بررسی قرار می‌گیرد، و سعی می‌شود دیدگاه‌ها و عکس‌العمل‌های روسیه در دوران مختلف توضیح داده شود. آنچه که در این فصل به طور واضح بررسی می‌شود، دلالت بر این نکات دارد:

- (۱) روسیه نمی‌تواند منطقه‌ی آسیای میانه را ترک کند
- (۲) حفظ امنیت مرزهای روسیه با این کشورها گران تمام می‌شود، عاقلانه‌تر این است که به کنترل مرزهای این کشورها اقدام شود.
- (۳) روسیه در شرایطی نیست که بتواند با این کشورها قطع ارتباط کند و در عین حال بسیاری از شرکت‌های روسی به این کشورها از نظر تأمین مواد اولیه وابسته هستند.

دارد اوضاع سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و استراتژیک کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی را از دیدگاه محققین روسی و چینی مورد مطالعه قرار دهد.

بخش اول: چالشهای سیاسی

فصل اول: روسیه و آسیای مرکزی: ارزیابی درک متقابل، سیاست‌ها و روابط درونی

فصل اول کتاب توسط دو نویسنده‌ی روسی، اندری کورتونوف و آندری شومیکین^۱، تألیف شده است. در معرفی نویسندگان باید گفت که کورتونوف رییس کمیته‌ی علوم مسکو است. قبل از این که به این سمت برگزیده شود، رییس مرکز مطالعات امریکا - کانادای فرهنگستان روسیه بوده است. و شومیکین نیز در فرهنگستان علوم روسیه در کار تدوین این فصل با کورتونوف همکاری داشته است. در قسمت اول، تحت عنوان تنش‌های سیاسی که مشتمل بر دو فصل می‌باشد، مؤلفین سعی در نشان دادن تنش‌های سیاسی در این منطقه را دارند. در فصل اول محققین روسی دست به ارزیابی اوضاع آسیای مرکزی

2- Mikhail Gorbachev

3- Boris Yeltsin

1- Andrei Kortunov & Andrei Shoumikhin

مرکزی، مورد بررسی قرار داده است و شامل موارد زیر می‌شود:

- اصول رابطه چین با این کشورها
- تغییرات سیاسی - اقتصادی در این کشورها
- ملاحظات سیاسی چین
- مسایل، مشکلات و چشم‌انداز آینده‌ی این کشورها

تغییرات شگرفی که پس از فروپاشی شوروی سابق در صحنه‌ی بین‌الملل ظاهر شد، چین را برآن داشت تا درخصوص روابط خود به وسیله دو پرسش اساسی پاسخ گوید:

۱- شرایط عمومی روابط دو کشور چه گونه است؟

۲- چین رابطه‌ی خود را با روسیه باید چه گونه ارزیابی کند؟

نویسنده، معتقد است که روابط چین با روسیه و جمهوری‌های تازه استقلال یافته، براساس همکاری‌های چندجانبه و روابط دوستانه طراحی شده است؛ و سفرهای مقامات چینی را در چند سال اخیر در این راستا ارزیابی می‌کند.

این بخش، از زبان وزیر امور خارجه‌ی چین، اصولی را که این کشور در خصوص برقراری رابطه با

۴) حضور سربازان روسی در خاک این کشورها، از نقطه نظر امنیتی مطرح است و پایگاه‌های روسی موجود در این کشورها به‌عنوان زیر ساخت‌های امنیتی برای روسیه اهمیت دارند.

۵) روسیه باید به همه‌ی این کشورها کمک کند.

۶) روسیه باید در مقابل تنش‌های مذهبی شدت عمل به خرج دهد.

۷) روسیه باید از ورود بازیگران دیگر به منطقه جلوگیری کند؛ یا با استفاده از ضعف‌های اقتصادی و مشکلات موجود در این کشورها از ورود دیگران ممانعت به‌عمل بیاورد (صص ۱۶ و ۱۷). در بخش دیگر به سایر بازیگران حاضر در صحنه، مثل ایران و بقیه، اشاره می‌شود. هم‌چنین به نقش‌های نظامی در راستای مسایل امنیتی اشاره می‌شود.

فصل دوم: چین و آسیای میانه به طرف روابط جدیدی با کشورهای آسیای مرکزی

این فصل توسط نویسنده‌ی چینی، گانگ‌چینگ زینگ^۱ نوشته شده است، در ۱۷ صفحه، رابطه‌ی چین را با کشورهای تازه استقلال یافته‌ی آسیای

این کشورها در رابطه با استقلال و مصایب ناشی از آن، یک چارچوب نظری ارائه می‌کند؛ و در رابطه با ساختن دولت - ملت‌سازی، از اقلیت‌ها به‌عنوان یک عامل قابل بحث یاد می‌کند و مشکلات مربوط به آن را مورد بررسی قرار می‌دهد، و ملاحظات چین را در رابطه با این عامل نیز از نظر دور نداشته است.

بخش دوم: شرایط بغرنج قومی

فصل چهارم: هم‌آهنگی قومی و درگیری در آسیای میانه: ریشه‌ها و سیاست‌ها

این فصل توسط گنگچن لیو^۱، نویسنده‌ی چینی و محقق مرکز مطالعات اروپای شرقی و آسیای مرکزی، نوشته شده است. این فصل به منشأ مسأله قومی و درگیری‌های قومی در آسیای میانه می‌پردازد، و سپس سیاست‌های کشورهای آسیای مرکزی بعد از استقلال، و چگونگی هدایت مسایل قومی توسط این دولت‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. قسمت اول، به گروه‌های قومی در گذشته و حال این جوامع می‌پردازد، و توضیح می‌دهد که ساده‌انگاشتن این موضوع در آسیای

جمهوری‌های جدید مدنظر دارد، چنین فهرست می‌کند:

احترام به انتخاب مردم این کشورها و عدم دخالت در امور آن‌ها، ملحوظ داشتن اختلافات در روابط با این کشورها به‌طور جداگانه؛ برابری و منافع دو جانبه در همکاری‌های تجاری و ...؛ مقبول دانستن ثبات در این کشورها از جانب چین و سعی در حل اختلافات در میان این کشورها، و داشتن روابط دوستانه با آن‌ها (ص ۳۴).

فصل سوم: مسایل قومی و سیاسی و ظهور دولت - ملت‌ها در آسیای مرکزی

این فصل که توسط نویسنده‌ی روسی و مدیر گروه مطالعات شرق‌شناسی فرهنگستان علوم روسیه، الگیز پرازاسکاس^۱، در ۱۹ صفحه نوشته شده است، به مسایل اجرایی و کار بزرگ دولت - ملت‌سازی پرداخته، و با توجه به کم‌رنگ شدن حاکمیت دولت‌ها در دنیای کنونی، و کم‌رنگ شدن مرزهای جغرافیایی، ساختن دولت - ملت را در این کشورها مورد توجه قرار داده است. نویسنده، درخصوص مشکلات و عدم آمادگی

2- Gengchen Liu

1- Algis Prazauskas

مجاورت جغرافیایی استان سین کیانگ^۲ اشاره می‌شود.

فصل پنجم: روس‌ها و روسیه در آسیای مرکزی

نویسنده‌ی این فصل محققان دیگری از کشور روسیه به نام‌های آندری کورتونوف و سرگئی لانوف^۳ می‌باشند. کورتونوف رییس مؤسسه مطالعات امریکا - کانادای فرهنگستان علوم روسیه است، لانوف، نویسنده‌ی کتاب‌های زیادی درباره‌ی آسیا، روسیه، هندوستان و ایالات متحده است و محقق مؤسسه‌ی مطالعات شرق‌شناسی فرهنگستان علوم روسیه می‌باشد. به دنبال مطرح شدن موضوع قومیت در فصل چهارم، به جمعیت روسی تبار ساکن در این جمهوری‌ها پرداخته می‌شود، و قبلاً گفته شد که این جمعیت در آسیای مرکزی، حساسیت‌های زیادی را در بین جمعیت بومی موجب شده‌اند. اکنون به مسایل و مشکلات این جمع، و این‌که چه‌گونه در اقلیت قرار گرفته‌اند؛ و به تأثیرات این جمعیت بر کشورهای

میان‌ه چه خطراتی را به دنبال خواهد داشت. در ۱۴۰ سال گذشته از دوران تزارها به بعد، سیل مهاجرت به طرف آسیای مرکزی به شدت ادامه داشته است و در حال حاضر، جمعیت قابل توجهی از اوکراین، بلاروس و روس‌ها در این کشورها ساکن هستند، که این موضوع، در قالب قلمروهای قومی در این کشورها دوباره مطرح شده است. در قسمت دوم این فصل، در مورد عامل مذهب توضیح داده شده، و این‌که چه‌گونه این عامل به پیچیدگی اوضاع می‌افزاید. در رابطه با حل این‌گونه مشکلات، به راه‌حل‌های اتخاذ شده با ایجاد تغییر در قانون اساسی این کشورها اشاره می‌گردد، تا بتوانند به‌گونه‌ای با این موضوع مقابله نمایند. در رابطه با درگیری‌های قومی، به شرایط اقتصادی به‌عنوان فاکتور تشدید کننده‌ی موضوع نیز اشاره شده و بخشی از این درگیری‌ها را به این فاکتور نسبت می‌دهند، و عامل خارجی را نیز در این رابطه مؤثر می‌دانند. در نهایت به چگونگی تأثیر برخوردهای قومی بر کشور چین، با توجه به

2- Xingjiang

3- Andrei Kortunove & Sergei Lounev

1- Ukrainians, Belarussians, Russians

اقتصاد جهانی و روابط بین الملل است. این بخش از کتاب، شامل یک مقدمه‌ی نسبتاً طولانی است، و به موضوعاتی مثل: مذهب، یا کشوربودگی^۳، مکانیزم خودکفایی و اصول‌گرایی، اصول‌گرایی در افغانستان، تاجیکستان و ایران اشاره می‌کند و در پایان به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

نویسنده اعتقاد دارد که گسترش اسلام، نسبت به گسترش مسیحیت و بوداییزم، بسیار چشمگیرتر بوده است، و این افزایش نفوذ اسلام در جهان، در منطقه‌ی آسیای مرکزی بیش‌تر بوده است. وی با اشاره به مکانیزمی که اسلام داشته است سعی می‌کند تعریفی از اصول‌گرایی یا توجیه اصول‌گرایی ارائه می‌دهد. در بخشی دیگر از این فصل قومیت‌گرایی^۴ و کشوریت مورد مذاقه قرار می‌گیرد. البته در این رابطه به قوم اکثریت در این کشورها اشاره شده و مسایل و مشکلات دیدگاه قوم‌گرایانه را مطرح می‌سازد (ص ۱۱۵). هم‌چنین در رابطه با ارتباط اقوام داخلی با هم‌تایان خارجی نیز در تکمیل این بحث و پیچیده‌گی‌های این

آسیای میانه نیز، توجه کافی مبذول گردیده است. در قسمت اول نگاهی به روسی‌زدایی - که توسط دولت‌های این کشورها انجام می‌شود - و ضعف مدیریتی که در غیاب متخصصین و مدیران روسی که بعد از اعلام استقلال از این کشورها بیرون رفته اند اشاره شده و نظریات طرفداران آتلانتیستها^۱ در این مورد ارزیابی می‌گردد. در قسمت بعدی، به سیاست‌های روسیه در اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ توجه شده، و چگونگی ارزیابی این گروه از شرایط حاضر، مورد توجه نویسندگان قرار می‌گیرد. آینده‌ی روس‌ها در کشورهای آسیای مرکزی و سیاست‌های دولت روسیه نیز در این قسمت ذکر می‌شود. و در پایان فصل، به استراتژی‌های مربوط به این بحث توجه شده است.

فصل ششم: اصول‌گرایی اسلامی، قومیت و دولت: مطالعه‌ی موردی تاجیکستان، پاکستان، افغانستان و ایران

نویسنده‌ی این قسمت از کتاب، الکساندر آمنوف^۲ محقق روسی انستیتو

3- Statehood
4- Ethnicity

1- Atlantists
2- Alexander Umnov

مسأله، توضیحات مفصلی ارائه شده است.

فصل هفتم: تحرکات جمعیتی در آسیای مرکزی و کشورهای همجوار از ۲۰۲۰-۱۹۶۰

این فصل را الکساندر آکیموف^۱ رییس دانشکده‌ی مطالعات اقتصادی انستیتو شرق‌شناسی فرهنگستان علوم روسی نگاشته است. این فصل در ۱۹ صفحه به بحث و اظهار نظر در مورد رشد جمعیت کشورهای آسیای میانه و کشورهای هم‌جوار می‌پردازد. و رابطه‌ی قومیت‌گرایی و دولت و اصول‌گرایی و نیز وضعیت جمعیت روسی زبان در موقعیت کنونی آسیای میانه را مورد بررسی قرار می‌دهد، و موقعیت این جمعیت را، که شامل اوکراینی‌ها، بلاروس‌ها و روس‌ها است، موقعیت این جمعیت و اثرات آن‌ها و خلأ مدیریتی پیش آمده در این کشورها را برمی‌شمارد.

بخش سوم: مشکلات اقتصادی

فصل هشتم: مرحله‌ی انتقالی به اقتصاد بازار، توسط کشورهای آسیای مرکزی: یک تحلیل مقایسه‌ای با چین

قسمت دوم کتاب، به مسایل اقتصادی این کشورها می‌پردازد. ژانگ زی سان^۲ متخصص چینی مسایل کشورهای آسیای مرکزی و عضو فرهنگستان علوم چین می‌باشد.

این مقاله، اساساً تحلیلی از زمینه‌های داخلی و بین‌المللی، و اوضاع اجتماعی و اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی است. در این رابطه، نویسنده به توصیف اوضاع اقتصادی در مرحله‌ی نخست و تأثیر موارد ذکر شده بر این فرایند در فصول قبل و سپس به تجربیات کشور چین در رابطه با انتقال اقتصادی به اقتصاد بازار می‌پردازد. البته در این مقایسه دست به یک تحلیل اقتصادی می‌زند و از تحلیل‌های موردی و مقایسه‌ای سود می‌جوید.

فصل نهم: آسیای مرکزی: به طرف هم‌گرایی از طریق سیاست درهای باز

نویسندگان این مقاله، آلکساندر سالیسکی و ولادیمیر فیسوکوف^۳ هر دو از محققین روسی فرهنگستان علوم روسیه هستند. در ابتدای این مقاله آمده است که شرایط فعلی اقتصادی در

2- Zhuangzhi Sun

3- Alexander Salitsky & Vladimir Fisuykov

1- Alexander Akimov

کینگ جیان لو^۱ محقق چینی و استاد مدعو انستیتو مطالعات اروپا و آسیای مرکزی فرهنگستان علوم چین است که در مورد تأثیرات منطقه آسیای مرکزی بر ژئوپلیتیک^۲ و ژئواکونومیک^۳ منطقه بحث می‌کند و اهمیت منطقه‌ی آسیای مرکزی را در این می‌داند که بین دو قدرت چین و روسیه واقع شده است. بنابراین، رابطه‌ی چین با این منطقه نه تنها چین را شدیداً متأثر کرده است بلکه از بُعد جهانی هم قابل توجه است. هم‌چنین به فرصت‌های به وجود آمده برای چین در این شرایط می‌پردازد (ص ۱۷۹) سپس به سوابق تجاری بین چین و این منطقه قبل و بعد از فروپاشی و به لحاظ تاریخی اشاره می‌کند (ص ۱۸۱). در ادامه، توجه خوانندگان را به فعالیت‌های تجاری، صنعتی، فنی و اقتصادی چین جلب می‌کند.

بخش چهارم: مسایل امنیتی و استراتژیک

کشورهای آسیایی و پیچیدگی آن غیرقابل انکار است. البته این به آن معنی نیست که شرایط جاری در یک چارچوب تئوریک و مقایسه‌ای با اوضاع جهانی قابل تحلیل نباشد؛ با این فرض که این کشورها هنوز در شرایط بعد از حکومت شوروی سابق به‌سر می‌برند. مقاله، هم‌چنین تمایزی بین درک فرایندهای در حال شکل‌گیری در فدراسیون روسیه و همسایگان تازه استقلال یافته قایل می‌گردد که بسیار مفید است. در رابطه با توصیف شرایط، نویسندگان مایل به استفاده از واژه‌هایی مثل: اصلاحات و دموکرات نیستند؛ زیرا، اعتقاد دارند که این واژه‌ها نمی‌تواند این شرایط را به درستی توصیف کنند (ص ۱۶۷). در بخش‌های دیگری از این فصل، به رابطه‌ی رهبران فعلی کشورهای آسیای مرکزی و مقامات مسکو و عامل ثبات قومی در این کشورها اشاره شده است، و عامل اخیر در یک رابطه‌ی مستقیم با ترکیب رهبران و تأثیر جمعیت روسی زبان تحلیل می‌شود.

فصل دهم: روابط تجاری و اقتصادی چین و آسیای مرکزی: پیشرفت‌ها، مسایل و چشم‌اندازها

- 1- Qingjian Liu
- 2- Geopolitics
- 3- Geoeconomic

فصل یازدهم: مسایل امنیتی چین در رابطه با کشورهای آسیای مرکزی

گانگچنگ زینگ^۱ معاون انستیتو مطالعات اروپای شرقی و آسیای مرکزی فرهنگستان علوم چین در ۱۴ صفحه این فصل را به رشته‌ی تحریر درآورده است. در این فصل، به سیاست‌های دفاعی و امنیتی چین، تمایلات قزاقستان در رابطه با سلاح‌های اتمی که در اختیار دارد، اطمینان دادن به چین در رابطه با مسایل اتمی، درگیری‌های مرزی، همکاری‌های دفاعی و امنیتی بین چین و کشورهای آسیای مرکزی، و هم‌چنین تلاش‌های انجام شده در جهت ایجاد تفاهم، درک متقابل بین چین و روسیه، چین و آسیای مرکزی و آسیای مرکزی و روسیه به تفصیل بحث شده است. در یک نگاه کلی‌تر، این مقاله به چهار جنبه از روابط چین و آسیای مرکزی شامل: امنیت اتمی، درگیری مرزی، همکاری‌های نظامی، آسیای مرکزی و ترتیبات چند جانبه‌ی امنیتی می‌پردازد. در این رابطه، به اکثر کمیته‌های مشترک تشکیل شده و مصوبات این اجلاس‌ها و نشست‌ها اشاره شده و موضوعاتی را

در رابطه با همسایگان چین توصیف می‌کند.

فصل دوازدهم: آسیای مرکزی و جهان: سیاست خارجی و مسایل استراتژیک

سرگئی لانوف و گلری شیروکوف^۲ نویسندگان روسی عضو فرهنگستان علوم روسیه، در فصل پایانی، سعی در مطرح کردن چالش‌های موجود در سیاست خارجی این کشورها با همسایگان، از جمله چین و روسیه هستند، و در این راستا به عامل توسعه‌ی اقتصادی اشاره می‌کنند. در این فصل، به کشورهای آسیای مرکزی به‌عنوان کشورهایی که دارای ظرفیت بالای اقتصادی هستند نگاه می‌شود نه صرفاً به‌عنوان هویت‌هایی که در چنبره‌ی مشکلات اقتصادی گرفتار آمده‌اند. در این فصل در رابطه با سیاست خارجی این کشورها و فرصت‌ها و چالش‌ها در این خصوص نیز بحث شده است و مسایل ژئوپلیتیکی مورد بررسی قرار گرفته و ارتباط این کشورها از منظر سیاست خارجی با چین و روسیه مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌گیرد.

2- Sergei Lounev & Glery Shirokov

1- Guangcheng Xing

ب) نقد و بررسی

۱- نقد روشی

با توجه به این که کتاب توسط محققین روسی و چینی نوشته شده است بیش تر حاوی دیدگاه‌ها و نقطه نظرات روسیه و چین می‌باشد.

موضوعات کتاب به چهار قسمت تقسیم شده است، و این چهار قسمت به ترتیب: چالش‌های سیاسی، پیچیدگی‌های قومی و پیشرفت‌های اقتصادی، و موضوعات امنیتی و استراتژیک را در برمی‌گیرد. در قسمت اول، نقطه نظرات روسیه و چین در مورد منطقه‌ی آسیای مرکزی و نوع ارتباطات و حساسیت‌های این دو کشور با کشورهای آسیای مرکزی به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد و با توجه به عنوان کتاب، که در حقیقت نشان‌دهنده حساسیت‌ها در مورد مسایل قومی است، بخش پایانی، قسمت اول کتاب سیاست و قومیت و ساختن دولت - کشور را مورد توجه قرار داده، که به نوبه‌ی خود حاکی از توجه نویسندگان به این مقوله است و به‌عنوان فصلی که ارتباط موضوعی بخش‌ها و فصول را می‌رساند مطرح می‌شود.

عنوان بخش دوم کتاب، پیچیدگی‌های قومی است. گردآوردندگان کتاب، با عنایت به این موضوع که قومیت‌گرایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های توجه در رابطه با مسایل آسیای مرکزی است، و تحركات جمعیتی موجب مسایل خاصی در این کشورها می‌گردد و مذهب به‌عنوان عاملی که به قومیت‌گرایی در این منطقه ارتباط دارد و اصول‌گرایی اسلامی در این کشورها در رابطه با مسایل قومی بروز و ظهور بیش‌تری پیدا می‌کند، به چهار فصل درباره‌ی: تجانس قومی، جمعیت روسی تبار در کشورهای آسیای میانه، اصول‌گرایی اسلامی و قومیت و تحركات جمعیتی در کشورهای این منطقه تقسیم می‌گردد، که با این کار سعی در برجسته‌تر کردن موضوع اقوام در آسیای مرکزی، و ارتباط این موضوع با دیگر مسایل می‌شود که به نظر می‌رسد این کار با موفقیت انجام شده است.

در بخش سوم با عنوان تلاش‌های اقتصادی، به موضوع گرایش به اقتصاد بازار، و ایجاد هم‌سویی قومی و ملی از طریق باز کردن مرزها به روی اقتصاد بازار می‌پردازد. عنوان این بخش از کتاب، و ارتباط اصلاحات اقتصادی و

۲- نقد محتوایی

آسیای مرکزی از اهمیت ویژه‌ای در تاریخ اوراسیا^۱ برخوردار است و به‌عنوان منطقه‌ای با مرزهای بی‌ثبات مطرح بوده، وضعیت سیاسی آن به تعادل قوا بین همسایگان این منطقه بستگی دارد. این منطقه هم‌چنین به‌عنوان مثلث مورد نزاع قدرت‌های چین، بریتانیا و روسیه در خلال قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی در جریان بازی بزرگ^۲ مطرح بوده است. یکی از مهم‌ترین عوامل سیاسی تدوین این مجموعه را می‌توان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دانست؛ چرا که چشماندازهای ژئوپلیتیکی و استراتژیک^۳ اوراسیا بعد از جنگ سرد^۴ به‌طور کلی دستخوش تغییر شده، و شرایط جدید ژئوپلیتیکی در اوراسیا از نظر محققین روسی و چینی، باید مجدداً مورد ارزیابی قرار گیرد. شرایط ژئوپلیتیک جدید منطقه‌ی آسیای مرکزی، دو کشور چین و روسیه را با چالش جدیدی روبه‌رو ساخته است و مواجهه با این چالش‌ها و تأثیر آن‌ها بر سیاست خارجی دو کشور بزرگ

مسایل قومی نشان دهنده‌ی بُعد دیگری از ابعاد قومیت‌گرایی و نقش آن در زمینه‌ی برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ی این کشورها است، و ارتباط این فصل با عنوان اصلی کتاب به خوبی نشان داده شده است.

در بخش چهارم کتاب، پرداختن به مسایل امنیتی و استراتژیک به ناچار بحث قومیت را در بطن خود خواهد داشت؛ زیرا، در بخش نخست از فصل اول کتاب، موضوع سیاست و قومیت به‌صورت اجزای در هم تنیده‌ای در صحنه‌های سیاست داخلی و خارجی این جمهوری‌ها ذکر شده‌اند. در این فصل نیز با توجه به گنجاندن درگیری مرزی که حاکی از تأثیرات مسایل قومی و اقلیت‌های ساکن مرزها است، به دخالت مسایل قومی در رابطه با امنیت مرزی و سیاست خارجی این کشورها در چارچوب مسایل امنیتی و استراتژیک می‌پردازد. در کل این کتاب ما شاهد برجسته شدن قومیت‌گرایی و این‌که چه‌گونه در روابط این کشورها با همسایگان بزرگی چون روسیه و چین نقش بازی می‌کند، خواهیم بود. هم‌چنین به تأثیرات موضوع اقوام در صفحه شطرنج ژئوپلیتیک آسیای مرکزی پرداخته می‌شود.

- 1- Eurasia
- 2- Great Game
- 3- Strategic
- 4- Cold War

این تفکرات، تأکید بر اصل نفوذ در منطقه، و تأثیر این نگرش بر دیدگاه‌های روسیه است؛ که البته توجه به جهت‌های متفاوت جغرافیایی توسط نخبگان سیاسی و فکری عنوان نیز از نظر دور نمانده است. نکته‌ی بارز دیگری که در این فصل وجود دارد، تلاشی است که در جهت مفهوم‌سازی مسأله‌ی اقوام در آسیای مرکزی از طرف متفکرین روسی صورت گرفته، و خواننده با این چارچوب مفهومی، می‌تواند با موضوع کتاب به راحتی ارتباط برقرار کند و پیوند ذهنی خود را با عنوان کتاب و تحلیل‌های ذکر شده حفظ نماید.

فصل دوم

فصل دوم کتاب، با توجه به جایگاه چین به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و کشوری، که دارای مرزهای طولانی و ارتباط تاریخی با مردم و جغرافیای منطقه است، به تأثیرات شرایط جدید این کشورها بر چین، و ملاحظات سیاست خارجی این کشور پرداخته است. این کشورها، از آن جهت در کانون توجه سیاست خارجی چین قرار گرفتند که ملیت‌های متفاوتی از اقوام

همسایه در آسیای مرکزی، اصلی‌ترین موضوعاتی هستند که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

شرایط تازه‌ی این منطقه، سیاست خارجی جدیدی را برای دو قدرت همسایه رقم زده، و هر کدام سعی در تدوین یک سیاست خارجی جدید دارند که متأثر از سابقه‌ی تاریخی نفوذ در این منطقه است. به‌طور مثال: نگاه کردن به کشورهای تازه استقلال یافته در قالب خارجه نزدیک، راه را برای توجیهات روس‌ها در چارچوب‌های جدید در فصولی با مضامین تقریباً متفاوت باز می‌کند.

الف) نقاط قوت

فصل اول

فصل اول، به تفکر نخبگان سیاست خارجی روسیه در رابطه با آسیای مرکزی می‌پردازد. عنوان کردن سه طرز تفکر در بین نخبگان روسیه، سیاست خارجی روسیه را در دوره‌هایی که نمایندگان این جریان‌های فکری به عنوان افراد مسئول در تدوین سیاست خارجی روسیه به ایفای نقش پرداختند توجیه می‌کند. البته نکته‌ی مشترک در

در این فصل، به مشکلات ناشی از استقلال کشورهای آسیای مرکزی و روسیه فعلی اشاره شده است. روسیه تلاش کرده است با کاهش بار اقتصادی و سیاسی و اعطای استقلال به کشورهای آسیای مرکزی، تأثیرات منفی ناشی از فروپاشی را کنترل نموده و توان‌های بالقوه اقتصادی خود را برای توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این کشور ارتقا بخشد. پس طبیعی است که استقلال ناخواسته، جمهوری‌های تازه استقلال یافته را، با مشکلات زیادی روبه‌رو کند. هیچ‌کدام از این کشورها، تجربه‌ای در امور دفاعی، سیاست خارجی، و تجارت خارجی ندارند؛ و به دلیل نبود ساختارهای اجرایی و رسمی، نتوانسته‌اند بر مرزهای خود با سایر جمهوری‌ها و کشورها نظارت و کنترل داشته باشند. کشورهای مورد بحث، در زمینه‌های اقتصادی قبلاً از روسیه تغذیه می‌شده‌اند و در واردات نفت و گاز نیز وابسته به روسیه هستند. از بین راه‌حل‌های سیاسی که برای این کشورها وجود دارد، انتخاب مدل دولت - ملت^۱ یا ایجاد یک جامعه‌ی

متنوع کشورهای آسیای مرکزی را در همسایگی استان‌های چینی فراهم آورده‌اند. علاوه بر این، ملاحظات اقتصادی چین در رابطه با کشورهای منطقه‌ی آسیای مرکزی نیز از اهمیت خاصی برخوردار است.

در فصل دوم به این مسأله پرداخته شده که چه‌گونه همسایگی چین با سه جمهوری آسیای مرکزی، قرقیزستان، قزاقستان و تاجیکستان، موجب بروز مسایل جدیدی برای چین شده است. از جمله‌ی این مسایل، تعدیل رابطه‌ی روسیه و چین است که برای هر دو کشور و کشورهای آسیای مرکزی از اهمیت خاصی برخوردار است. بر این اساس، با استناد به بیانیه‌های رسمی دولت چین، نقطه نظرات جدید این کشور در قالب چند بند در فصل دوم گنجانده می‌شود. طرح دیدگاه‌های کلی دو کشور روسیه و چین، در دو فصل اول کتاب، زمینه را برای طرح نقطه نظرات متفاوت این دو کشور درباره‌ی آسیای مرکزی و مسایل آن‌ها فراهم می‌کند که از نکات برجسته این فصل می‌باشد.

فصل سوم

1- Nation-State

اجتماعی در این کشورها رد شده است. در رابطه با انتخاب مدل (دولت - ملت) سعی شده است که عوامل شکل دهنده‌ی دولت - ملت معرفی شود. در این خصوص اشاره به یادگارهای تاریخی مشترک^۵ مخصوصاً در رابطه با اکثریت غالب، که حتی از طریق آموزش رسمی در دوره‌های ابتدایی شروع می‌شود، و برجسته کردن شخصیت‌هایی که می‌توانند افتخارات گذشته را ترسیم کنند^۶ از اهمیت خاصی برخوردار است. اما نویسنده‌ی این فصل، قبل از این‌که به این مقوله بپردازد، سیاست‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق و روسیه فعلی را مورد بررسی اجمالی قرار داده، و سوق دادن جوامع کشورهای آسیای مرکزی را به سمت حل شدن در فرهنگ غالب روسی مطرح نموده است؛ و جمعیت روسی زبان را به‌عنوان طلایه‌داران تمدن و مأمورینی که این مردم را متمدن سازند معرفی می‌کند. نویسنده، هم‌چنین یادآور می‌شود که سیاست‌های ملی‌گرایانه‌ی رژیم شوروی، مخصوصاً استراتژی سازمان‌دهی و قالب ریزی و هدایت جامعه به طرف یک ملت واحد

کثرت‌گرا و متنوع قومی است. در کشوری که مدل اول برگزیده می‌شود اقلیت‌ها مجبورند فرهنگ و زبان اکثریت را بپذیرند. با توجه به این‌که در این کشورها، تنوع قومی به لحاظ سیاسی امری نهادینه نیست، پیروی کردن این کشورها از این مدل می‌تواند شرایط خاص و بغرنجی را پدید آورد که می‌تواند بسیاری از موضوعات را در این کشورها تحت‌الشعاع قرار دهد از جمله ساختن دولت - ملت که موضوع اصلی فصل سوم از بخش اول کتاب است. در رابطه با پذیرش این مدل از سوی کشورهای مذکور دو نکته قابل توجه است:

۱- چرا این کشورها، بدون در نظر گرفتن یک بحث جدی در رابطه با امکانات بالقوه‌ی جوامعی با تنوع قومی^۱، این مدل را برگزیده‌اند؟

۲- امکان عملی شدن این مدل در زمینه‌های: قومی - جمعیتی^۲، قومی - سیاسی^۳ و اجتماعی - فرهنگی^۴ هر کدام از این کشورها وجود داشته است؛ هر چند که مورد اول، از طرف رهبران اقلیت و لیبرال و دانشمندان علوم

5- Common Historical Memory

6- Glorifying the Past

1- Multi-Ethnics

2- Ethno-Demography

3- Ethno-Politicaltic

4- Socio-Cultural

موجب جست‌وجو برای یک هویت غیرروسی گردیده است.

نکته‌ی دیگر که این ادعا را تأکید می‌کند این است که ظهور کشورهای آسیای مرکزی مقدم بر شکل‌گیری ملت‌ها براساس قومیت است.

در پاسخ به این پرسش که چرا ملیت‌های آسیای مرکزی در مقایسه با کشورهای اروپایی و مدرن بی‌شکل‌تر و نامنظم‌تر هستند؟ این مطلب عنوان می‌گردد که درصد ناچیز شهرنشینی - ۲۲ تا ۳۸ درصد - تحرکات اجتماعی و سرزمینی اندک و سیستم‌های ضعیف ارتباطی، باعث ایجاد هویت‌های فرعی در بین ملیت‌های آسیای مرکزی شده است. تقابل بین نواحی کم جمعیت و پر جمعیت به‌عنوان عامل دیگر مطرح می‌شود.

تاریخ این ملت‌ها، توسط روس‌ها و پس از ایجاد این کشورها در سال ۱۹۲۴ ذکر می‌شود و سعی شده است تا هویت‌های مختلفی را بر اساس یکی از هویت‌های مدرن امروزی شناسایی کنند؛ اما این نکته قابل ذکر است که شکاف فرهنگی آسیای مرکزی، به این معنی است که تاکنون هیچ فرهنگ ملی، قابلیت و ظرفیت ظاهر شدن به‌عنوان یک فرهنگ رسمی را نداشته،

و یکی از موانع عمده در راه شکل‌گیری دولت - ملت همین موضوع است. البته به این موضوع نیز اشاره می‌شود که ملیت‌های آسیای مرکزی تجربه‌ی کثرت‌گرایی قومی را ندارند و چیزی به‌عنوان برابری قومی در این کشورها بی‌معنی است.

علی‌رغم همه‌ی تبلیغاتی که درباره‌ی کشور شوروی چند ملیتی صورت گرفته، این کشور به‌صورت یک کشور روسی همیشه مورد توجه بوده است. هویت روسی ملیت‌های متفاوت در این کشور، آنان را از میراث فرهنگی خودشان محروم ساخته، و در عین حال هویت قومی را هم ضعیف ساخته است. مهم‌تر این که زبان روسی به‌عنوان زبان رسمی، باعث شده است که زبان اقوام مختلف در حاشیه قرار گیرند. در حقیقت، هم‌گرایی فرهنگی - اجتماعی در اتحاد جماهیر شوروی سابق، برای اقوام غیرروسی، به شکل حل شدن در فرهنگ و زبان روسی، باعث واکنش‌های منفی در میان مردم بومی این کشورها گردیده است؛ اما از نظر دیوان‌سالاران^۱ فرایند همانندسازی^۲، موجب پیشرفت بوده

1- Technocrats

2- Assimilation

در این فصل اشاره شده است فرایند ملت‌سازی^۵ است. جدایی ملیت‌های آسیای مرکزی، بزرگ‌ترین مشکل ایجاد یک هم‌گرایی اجتماعی است. نکته‌ی دیگری که به دنبال این جدایی مطرح شده، بحث در مورد منافع ملی^۶ است که محصول اجماع ملی^۷ است و به عنوان عامل دیگری برای وجود دولت - ملت مطرح می‌باشد، که در این کشورها، اجماع ملی در مورد منافع ملی وجود ندارد.

به‌طور کلی، موانعی که برای تشکیل دولت - ملت مطرح می‌شود از منظر علمی مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ این موانع عبارتند از: نبود مرزهای ملی؛ عدم برخورداری از فرهنگ ملی؛ تقسیمات فرعی قومی و قبیله‌ای و تقدم روابط قبیله‌ای بر ساختار ملی؛ عدم اجماع در مورد منافع ملی؛ وجود اختلافات فرهنگی؛ عدم انطباق مرزهای ملی با فرهنگ ملی و قومی؛ نداشتن همبستگی ملی^۸؛ پایین بودن درصد شهرنشینی؛ اختلاف بین طبقه‌ی روشنفکری که به زبان روسی تحصیل کرده، و زبان روسی تنها وسیله‌ی

است، و در نقطه‌ی مقابل آن‌ها؛ یعنی، مخالفان همانندسازی، این پدیده موجب از بین رفتن فرهنگ‌های قومی و ملی می‌گردد.

برای حل این معضل، بعضی از رهبران کشورهای آسیای مرکزی، مخصوصاً رهبران حزب احیای اسلامی (که در تمام این کشورها از فعالیت ممنوع شده‌اند) پیشنهاد می‌کنند که از اسلام به‌عنوان یک فرهنگ غنی ملی استفاده شود؛ اگر چه در مناطقی که اکثراً مسلمان هستند اسلام نمی‌تواند یک عامل اساسی برای تشکیل دولت - ملت باشد، و تا زمانی که اسلام به‌عنوان عاملی برای رشد اصول‌گرایی اسلامی مطرح است، می‌تواند رهبران کمونیست سابق و رهبران فعلی این جمهوری‌ها را دچار مخاطره سازد و عاملی برای رشد پان - اسلامیسیم^۲ و هویت اسلامی^۳ این اقوام باشد.

موضوع دیگری که مورد اشاره قرار گرفته است، عدم تجانس قومی^۴ در این کشورها است، که می‌تواند به‌عنوان یک مانع برای شکل‌گیری دولت - ملت باشد. موضوع دیگری که به آن

- 5- Nation-Building
- 6- National Interests
- 7- National Consensus
- 8- National Solidarity

- 1- Islamic Revival Party
- 2- Pan-Islamism
- 3- Islamic Identity
- 4- Ethnic Homogeneity

ارتباطی این طبقه با تمدن پیشرفته‌ی غربی بوده؛ اختلاف مردم شهر نشین با ساکنین روستاها؛ عدم انتشار کتاب به زبان‌های محلی و ملی؛ نداشتن ظرفیت برای زبان بومی به‌عنوان یک زبان رسمی. علاوه بر این، موضوع اقلیت روسی در این جمهوری‌ها و چگونگی نقشی که این عامل، به‌عنوان یک مانع، در جهت ساختن دولت - ملت می‌تواند بازی کند، در رابطه با موضوع عدم تجانس جمعیتی^۱ ذکر می‌شود؛ هر چند که عدم تجانس در بسیاری دیگر از کشورها وجود دارد. البته نویسنده خاطر نشان می‌سازد که هویت‌های قبلی امیرنشینان خیوه، بخارا، تاشکند و سمرقند، همه چند قومی بوده‌اند. وجود اقلیت‌های قومی در نواحی پر جمعیت گاهی تا یک سوم جمعیت (ازبک‌ها در تاجیکستان - روس‌ها در قزاقستان) به‌عنوان یکی از جدی‌ترین موانع شکل‌گیری دولت - ملت در این منطقه ذکر می‌شود.

در جریان شکل‌گیری دولت - ملت، منافع قوم غالب و اقلیت قومی، در مواردی مثل اقتصاد، فرهنگ، سیاست و سرزمین با اقلیت‌ها برخورد داشته و موجب بروز درگیری قومی می‌گردد.

1- Demographic Heterogeneity

در مورد دلایل اقتصادی - اجتماعی، رقابت بر سر منابع ارزشمند مثل آب و زمین را ذکر می‌کند. و موضوع روسی زبانان شهرنشین و روستاییان، و اختلافات بین این دو طیف، برای دستیابی به منابع اقتصادی دوباره در وجه دیگری نیز عنوان می‌گردد. طبقه‌ی روسی زبان شهرنشین، با اشغال اکثر پست‌های مدیریتی منافع اقتصادی را تصاحب می‌کند، و در نتیجه، یک طبقه‌ی سرمایه‌دار شهری - روسی به وجود می‌آید، که با روستایی بومی و غیرروسی زبان در تضاد است، و در عین حال اقلیت هم هست. در نتیجه‌ی این وضعیت، سیاست‌های محافظه‌کارانه، از جانب مقامات این جمهوری‌ها اتخاذ می‌شود. زمین، به‌عنوان عامل درگیری بین اقلیت و اکثریت قومی عنوان می‌شود. نویسنده، هم‌چنین پیش‌بینی می‌کند که در دراز مدت، درگیری قومی - سرزمینی^۲ سرزمینی^۲ موجب به وجود آمدن جنبش‌های جدایی‌طلب خواهد شد، وسازماندهی ارضی را که در بین سال‌های ۱۹۳۶-۱۹۲۴ در دره‌ی فرغانه منجر به جدایی این دره شد

2- Ethno-Territorial Dispute

موضوع، اهمیت قوم و مسایل وابسته به آن را بیش‌تر منعکس می‌سازد، و نشان می‌دهد که جهت‌گیری کتاب در رابطه با قومیت درست است. در این فصل پس از میان نقش قومیت‌گرایی و اقلیت‌های قومی، به ریشه‌های درگیری بین اقوام مختلف اشاره شده، که با بررسی دقیق این ریشه‌ها و سیاست‌های مختلفی که در این رابطه اتخاذ شده، حساسیت موضوع نشان داده می‌شود. با عنوان کردن پیچیدگی این ساختار قومی، و یاد کردن از این پیچیدگی قومی در جوامعی با تنوع قومی زیاد، که در فصل سوم به آن اشاره شده است، نقش همه گروه‌های اقلیت و اکثریت با ذکر سابقه‌ی تاریخی مطرح می‌گردد. چه‌گونه با وجود این اقلیت‌ها، یکپارچگی مورد نظر برای این فرایند امکان دارد؟ نقش این اقلیت‌ها در تعیین سیاست روسیه نسبت به این کشورها چه خواهد بود و چه‌گونه با آن برخورد خواهد شد؟ این سؤالات در سیر توالی با مطالب بخش‌های قبل پاسخ داده شده است؛ و اگر به این سؤالات پاسخی داده نمی‌شد، رسالت کتاب، که همان توضیح نقش پیچیدگی‌های قومی در

به‌عنوان شاهد مثال ذکر می‌کند. گذشته‌های تاریخی، در مورد اقلیت و اکثریت دوباره به‌کار گرفته می‌شود؛ موضوع مرز بین اقلیت و اکثریت مطرح می‌شود، و در پایان، به فرایند ملت‌سازی اشاره می‌شود.

نکته‌ی قوت این فصل، مطرح کردن مشکلات موجود در راه ساختن دولت - ملت و تقریباً اشاره به تمام موارد این بحث است. این موضوع با توجه به فصل‌بندی انجام شده، بر کل کتاب سایه می‌افکند درواقع، این فصل حاوی عناوینی است که بقیه‌ی فصل‌ها و بخش‌ها به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به این‌که موضوعات ارتباط بسیار نزدیکی با هم دارند و از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، گاهی به نظر می‌رسد که مطالب به‌صورت تکراری بیان شده‌اند، درحالی‌که واقعاً چنین نیست.

فصل چهارم

به درستی هم‌آهنگی قومی^۱ به‌عنوان اساسی‌ترین شرط ثبات سیاسی کشورهای آسیای مرکزی، بعد از استقلال ۱۹۹۱، ذکر گردیده است. این

در کنار قومیت و فرهنگ نقش بازی می‌کند. در چنین ساختاری، این موضوع باید طرح شود و به‌عنوان یک نکته‌ی مثبت مورد توجه قرار گیرد.

فصل ششم

وقتی در دو فصل قبلی از مذهب صحبت می‌شود و به‌صورت یکی از عوامل حاشیه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد؛ جا دارد که در یک فصل مستقل مورد عنایت نویسندگان قرار گیرد. فصل ششم با مطرح کردن یک مطالعه‌ی موردی در خصوص کشورهای یاد شده، سعی در شناسایی دقیق‌تر این عامل دارد. تقابل سنت و مدرنیته^۱ در یک نقش محوری مورد بحث قرار می‌گیرد و به‌عنوان یک چالش مطرح می‌شود؛ و از نظر نویسندگان، اصول‌گرایی اسلامی در قالب این تنش متولد می‌شود. همان‌طور که اشاره شد، به منظور توجه هر چه بیشتر به اقوام در این جمهوری‌ها، کشور و قومیت، به‌عنوان یکی دیگر از موارد قابل طرح، توسط نویسندگان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بحث میزان جمعیت قومی، یا به عبارتی

کل فرایند ساختن دولت - ملت است انجام نمی‌شد.

در این قسمت درباره‌ی نقش مذهب در افزایش پیچیدگی‌های مرزهای قومی نیز بحث شده است. نقش اقلیت‌های قومی در ساختارهای اقتصاد شهری و کشوری نیز بخشی از این فصل را به خود اختصاص داده است، و این ارتباط موضوعی به‌صورت کلاسیک، از نقاط قوت این بخش و کل کتاب محسوب می‌گردد.

فصل پنجم

این فصل به‌طور کلی، اقلیت‌های روسی زبان و نقش این اقلیت را در فرایند دولت - ملت‌سازی مورد بررسی قرار داده است، زیرا نمی‌توان سیاست‌های روسیه و چین را در آسیای مرکزی بدون توجه به این جمعیت‌ها - به‌عنوان اقلیت - مورد مطالعه قرار داد.

در این مرحله، خواننده می‌تواند با اقلیت‌های روسی آشنا شود و چالش‌های موجود در منطقه را بشناسد. با توجه به تأثیر زبان روسی بر فرهنگ این کشورها، کار ساختن دولت - ملت مشکل‌تر به نظر می‌رسد، و عامل زبان

1- Modernism

توسط اکثریت قومی اعمال می‌شود. ریشه‌ی این تبعیضات، علاوه بر تقابل سنت و مدرنیسم در تبعیض قومی نیز جست‌وجو می‌شود، و کارکرد این پدیده در این چارچوب مورد بحث قرار می‌گیرد. این موضوع به درستی طرح شده است، زیرا اتفاقات رخ داده در چند سال اخیر، مثل حادثه‌ی منطقه‌ی اوش در دره‌ی فرغانه این موضوع را تأیید می‌کند. وجود پدیده‌ی اوش به اسم طالبان در افغانستان هم شاهد دیگری بر این ادعا است.

فصل هفتم

توجه به اختلاط قومی، مسأله‌ی اقلیت و اکثریت، درگیری‌های قومی و تبعیض قومی، همه، ما را با سؤال دیگری در رابطه با اقوام روبه‌رو می‌سازد. این سؤال در فصل هفتم، در قالب تحلیل تحرکات جمعیتی با اشاره به زمینه‌های تاریخی این موضوع پاسخ داده می‌شود. در بالا، به جمعیت روسی زبان در این ساختار قومی اشاره شد، و تأثیرات حضور این اقلیت در کشوری مانند قزاقستان بررسی گردید. اما این سؤال که اگر جمعیت روس زبان شامل روسی‌ها، اوکراینی‌ها و بلاروس‌ها این

برتری قومی، به این مطلب اشاره می‌شود که یک اکثریت قومی، می‌تواند دست به تشکیل یک حکومت بزند، که علی‌رغم اختلاط قومی، این اتفاق افتاده است.

زمانی که یک اکثریت دست به تشکیل حکومت می‌زند، به‌طور طبیعی، سیستم به وجود آمده، باید از این اکثریت پیروی کند، در چنین شرایطی، جمعیت‌های دیگر در درجات بعدی اهمیت قرار خواهند گرفت. در مورد جمعیت روس این احساس به وجود آمده، که شرایط را با تحلیل این امر بیش‌تر مورد توجه قرار داده، و تصویر شفاف‌تری را از هرم قومی نشان می‌دهد. دوباره نقش مذهب از زاویه‌ی دیگری با این موضوع مرتبط می‌شود، ولی حسن کار در این است که ارتباط موضوعی مذهب با این بحث در جای خودش طرح می‌گردد، و از تکرار مطالب عنوان شده‌ی قبلی درباره‌ی مذهب پرهیز شده است که از نقاط قوت این فصل محسوب می‌شود. در این جا یک مطالعه‌ی مقایسه‌ای با دیگر کشورهای اسلامی، مثل پاکستان، افغانستان و ایران انجام می‌شود؛ و در واقع یکی از علل این امر، روا داشتن تبعیضی است که در این اختلاط قومی،

کشورها را ترک کنند، به‌طور مشخص، و به تفصیل سخن نرفته است.

در یک ارتباط سیستماتیک با فصول قبلی، و سلسله مراتبی که با مشخص کردن سطوح مختلف مسایل در قبل آمده است، در این فصل خلأ ناشی از این تحرکات جمعیتی مورد بحث قرار می‌گیرد؛ زیرا زمینه‌ی ورود به این موضوع در فصل پنجم و ششم فراهم آمده است. از طرف دیگر، با توجه به مسایلی که در فصول آینده، در بحث اقتصاد این جمهوری‌ها با آن مواجه خواهیم بود، نیاز به مقدمه‌ای در جهت توضیح عوامل ضعف اقتصادی در این کشورها است. خلئی که به آن اشاره رفت در جهت پوشش دادن به این شکاف در ساختارهای اقتصادی و بدنه‌ی مدیریتی این کشورها است. موضوعی که به‌طور مفصل در باره‌ی آن صحبت شده است.

همان‌طور که قبلاً گفته شد، کتاب به چهار بخش کلی تقسیم شده است، و موضوعات مختلفی در هر یک از این چهار بخش گنجانده شده است، که حداقل مزیت این موضوع، دسته‌بندی موضوعات مختلف، در قالب‌های کلی

است، و این ارتباط موضوعی، فصل‌ها را به درستی توجیه‌پذیر می‌سازد.

فصل هشتم

فصل هشتم درباره‌ی اقتصاد آسیای مرکزی صحبت می‌کند. عمده‌ترین موضوع در این خصوص، بحث انتقال به اقتصاد بازار است. در بحث انتقال فقط عوامل اقتصادی مد نظر نیستند، و فاکتورهای دیگری که در قالب فصل‌های گذشته بیان شده‌اند نیز، مورد توجه قرار دارد. نقاط قوت این کتاب این است که با مطرح کردن بحث به‌صورت سلسله مراتبی، در بخش‌ها و فصول مختلف، ارتباط موضوعی را به خوبی حفظ می‌کند و در عین حال، تفکیک موارد را رعایت نموده است. علاوه بر این، برای توجیه بیشتر این فصل، رویکرد مقایسه‌ای را با کشورهای مثل چین مطرح می‌سازد. با این کار، نقاط ضعف و قوت برجسته‌تر می‌شود، و خواننده به قضاوت درست‌تری دست می‌زند. نکته‌ی مثبت دیگر این‌که، با مطرح کردن مواردی مشابه در راه توسعه‌ی اقتصادی، نقاط قوت و ضعف این جمهوری‌ها در راه توسعه‌ی اقتصادی

که هم‌گرایی و باز بودن جامعه و اقتصاد را تسهیل می‌کند. باز بودن درها، تعامل با دیگران و مورد احترام قرارگرفتن توسط دیگران، احساس خوشبختی را در جامعه‌ی انسانی، برای این کشورها به ارمغان خواهد آورد.

تعامل بازیگران، پذیرش فرهنگ خارجی (البته نه در جهت سلطه) را تسهیل می‌کند، که شامل تکنولوژی، مدیریت و ایدئولوژی نیز می‌گردد. برای داشتن استدلالی درست در این موضوع به تجربه‌ی چین اشاره می‌شود. زیرا، چین دارای یک سیستم بسته‌ی متمرکز است، و چگونگی رفتار چین در ارتباط با باز کردن درها، با توجه به داشتن تجربه‌ی نظام حکومتی و سیاسی یکسان، می‌تواند مفیدترین نوع مقایسه را برای این استدلال فراهم کند. رابطه با چین، می‌تواند این تجربه را به شکلی مطلوب‌تر برای این کشورها به همراه داشته باشد و این نکته‌ای است که حتی صاحب‌نظران روسی به آن اذعان دارند. اما این به آن معنا نیست که برای مثال نسبت به واردات فوق‌العاده زیاد کالاهای چینی، الزاماً یک دید صددرصد مثبت داشته باشیم. این موضوع مورد توجه نویسندگان نیز

بیش‌تر روشن می‌شود؛ و مواردی مثل مالکیت زمین، آب، سرمایه و پست‌های مدیریتی، مورد بحث قرار می‌گیرند، که هم با موضوع اقتصاد و مسایل انتقال به اقتصاد بازار مربوط است، هم با قوم و موضوع توزیع منابع اقتصادی بین اقوام مختلف. همان‌گونه که در فصول قبل، ارتباط اقلیت روسی زبان با موضوعات متفاوت، مورد توجه قرار گرفته بود، در این فصل نیز ارتباط با بحث اقتصاد حفظ می‌شود.

فصل نهم

برای حرکت در جهت انتقال به اقتصاد بازار، سیاست درهای باز یکی از ضروریات است؛ و این عاملی است که در فصل نهم به آن پرداخته می‌شود و چالش‌ها، موانع و فرصت‌ها در این رابطه مورد توجه قرار می‌گیرد. اما با توجه به شرایط جهان فعلی و ساختارهای موجود در این کشورها این کار چه‌گونه می‌تواند انجام شود؟ از جمله مواردی که در رابطه با عنوان کتاب مطرح می‌شود، این است که ایجاد هم‌گرایی در سطح قومی و تعامل با دیگری، و رسیدن به یک ثبات داخلی در چارچوب بحث قوم است،

است سخن گفته می‌شود. با این کار، نوع ارتباطات با توجه به گستره‌ی زمان و پیچیدگی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و قومی مورد تحلیل قرار می‌گیرد، که کار موجهی است؛ چرا که در تحلیل این ارتباطات ما ناگزیر به توضیح جغرافیای تاریخی^۱ منطقه هستیم. این نیاز، از طرف نویسندگان نیز احساس شده و در این رابطه، به تجارت مرزی به‌عنوان یکی از موارد اشاره می‌شود، که در مورد چین مستقیماً به سیاست درهای باز و رها شدن از اقتصاد متمرکز مربوط می‌شود، و این تجربیات، باید از طرف کشورهای آسیای میانه مورد توجه قرار گیرد. از طرفی با مطرح کردن این نوع همکاری، منافع مشترک نیز شناسایی می‌شوند. اما موضوعی که در رابطه با استان‌های هم‌جوار مطرح است، در چارچوب مرزبندی‌های جغرافیایی و قومی و ملی طرح شده است. در واقع، پرداختن به این موضوع، روشن ساختن تحلیل سطوح روابط است، و شاید تنها از این طریق بتوان به نتایج قابل توجه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دست یافت.

قرار گرفته که از نکات مثبت است. البته در نقطه‌ی مقابل به توجه یک طرفه‌ی نفوذ روس‌ها در منطقه نیز اشاره شده و پیچیدگی‌های این موضوع نیز مورد نظر بوده است.

فصل دهم

وقتی که چین به‌عنوان یک تجربه‌ی موفق و الگوی مناسب برای کشورهای آسیای مرکزی مطرح می‌شود، لازم است روابط اقتصادی چین با این کشور و اثرات ژئواکونومیک حاصل از این ارتباطات بر کل منطقه مورد ارزیابی قرار گیرد. عدم توجه به این موضوع، امکان استفاده از فرصت‌ها را محدود می‌سازد و گریز از محدودیت‌ها را در یک چارچوب منطقی غیرقابل توجیه خواهد کرد.

با توجه به آن چه گفته شد، فصل دهم، بستری را فراهم آورده است که بتوان روابط مذکور و اثرات و تبعات آن را بر کل منطقه مورد بررسی قرار داد.

بدین منظور، بخشی از سوابق تاریخی جاده ابریشم، از ارتباط قومی در همسایگی، و از سیاست‌هایی که توسط دول درگیر در منطقه اتخاذ شده

از طرف دول درگیر، این است که به یک پوشش نسبتاً کافی از شقوق مختلف موضوع امنیت و استراتژی ختم می‌شود.

ارتباط چین و روسیه، به خاطر مرز مشترک، سابقه‌ی تاریخی، عوض شدن فضای روابط بین دو کشور از یکسو و ارتباط روسیه با جامعه‌ی کشورهای تازه استقلال^۱ یافته از سوی دیگر مورد توجه است. هم‌چنین ارتباط چین با این جامعه، مورد مطالعه قرار می‌گیرد و طیف منافع و محدودیت‌ها برای طرفین مشخص می‌گردد؛ مخصوصاً برای چین و جنبه‌های این ارتباط از طرف چین، در یک دسته‌بندی منطقی قرار می‌گیرد. که از نقاط قوت است.

نکته‌ی مثبت دیگر در این فصل، ارایه راه‌کارها برای حل مشکلات است، و از همه مهم‌تر ترسیم افق‌های همکاری است، که بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. این موضوع می‌تواند از این نظر برای خوانندگان مفید باشد که شبیه‌سازی روابط را برای آنان سهل‌تر می‌سازد. این شبیه‌سازی امکان بهره‌برداری‌های زیادی را به این طیف می‌دهد، که در مطالعات بعدی در مورد این حوزه می‌تواند مفید باشد. اشاره به

فصل یازدهم

بخش چهارم کتاب به مسایل امنیتی و استراتژیک اختصاص یافته است؛ زیرا، تنوع قومی، امنیت اجتماعی، حفظ حاکمیت ملی، امنیت نظامی، اقتصادی و سیاسی، با موارد مطرح شده در فصل‌های قبل رابطه‌ی تنگاتنگی دارد. پرداختن به روابط بین‌الملل در این منطقه، در یک ارتباط ارگانیک با همه‌ی مطالب عنوان شده، مخصوصاً در رابطه با قوم و وجود اقلیت‌های قومی، با هدف عنوان کردن موارد امنیتی و استراتژیک همراه می‌شود. چه‌گونه می‌توان در جایی که مبادلات مرزی و قاچاق انسان، مواد مخدر، اسلحه، و کالای قاچاق وجود دارد، از امنیت مرزها سخنی نگفت؟ در این رابطه به کشور چین و مسایل امنیتی چین بیش‌تر بها داده شده است؛ و شاید این موضوع، به این دلیل است که نویسندگان این فصل، محققین چینی هستند، یا شاید به این علت که این ملاحظات در رابطه با چین و آسیای مرکزی می‌تواند به‌عنوان یک الگو مورد توجه قرار گیرد. نقطه‌ی قوت این فصل، گذشته از به جا بودن طرح امنیت و استراتژی‌های طرح شده

1- Commonwealth of Independent States

سیاست خارجی بر کل سیستم بحث می‌شود؛ و با عنوان کردن این مورد، به وضوح، ساختار سیاسی و سیاست خارجی این کشورها ترسیم می‌گردد.

جداسازی نخبگان سیاسی، با توجه به دیدگاه‌های مختلف این گروه‌ها و روشن ساختن این نقطه نظرات، خواننده را به درک درستی از ساختارهای سیاسی این جمهوری‌ها هدایت می‌کند، و در این راستا به درستی می‌توان خطوط اصلی سیاسی و ارتباطات بین‌المللی را دریافت. پرداختن به سیاست خارجی، بلافاصله بعد از مطرح کردن دیدگاه‌های کشورهای دیگر به منطقه آورده شده است.

نگاه از خارج به داخل، از منظر سیاست خارجی کشورهای درگیر، در شطرنج ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی، این امتیاز را دارد که یک روند عمل و عکس‌العمل در یک چارچوب کلی برای تحلیل وضع سیاست خارجی این کشورها به‌وجود آورده است.

بحث سیاست خارجی در این فصل به موضوع ساختن دولت - ملت ربط داده شده است؛ زیرا، کشوری که از طریق تدوین سیاست خارجی خود به

قراردادها و اجلاس‌های مشترک امنیتی و استراتژیک نیز از نکاتی است که می‌تواند خوانندگان را در جریان جزئیات پیشرفت‌ها قرار دهد. در همه‌ی این موارد، اشاره به همکاری‌ها، با توجه به بسترهای به وجود آمده در فصول قبل عنوان شده است؛ حتی در مورد مسایل نظامی این مورد رعایت گردیده است.

فصل دوازدهم

وقتی از امنیت و استراتژی صحبت می‌شود، باید به بحث سیاست خارجی نیز پرداخته شود. نکته این است که به دنبال مطرح کردن نقاط چالش بین این جمهوری‌ها با همسایگان، آیا این مسأله به قوم و چالش‌های قومی برمی‌گردد؟ در مرحله‌ی بعدی به عامل اقتصادی و درآمدها و توسعه‌ی اقتصادی اشاره می‌شود، و از این جمهوری‌ها همان‌طور که در قبل نیز اشاره شد، با یک توان اقتصادی بالا اسم برده می‌شود. نکته‌ای که در رابطه با بحث سیاست خارجی این کشورها مطرح می‌گردد، ارتباط بین سیستم قبیله‌ای و تشکیل جامعه‌ی نخبگان، بالأخص نخبگان سیاست خارجی است. در این بخش، تأثیر جابه‌جایی مهره‌های

فرا منطقه‌ای و بین‌المللی، باید در این قسمت گنجانده شود، و ارتباط این کشورها با خصوصیات گفته شده مورد توجه قرار گیرد.

در این قسمت، به مهم‌ترین موضوع در رابطه با سیاست خارجی؛ یعنی، ارتباط با دنیای خارج، شرکت در مناسبات منطقه‌ای، مسایل قومی، ساختن دولت - ملت و همه‌ی مسایل مطرح شده اشاره می‌شود که فقط باید در این قسمت مطرح شود، و بسته بودن یا در بن بست بودن^۲ این منطقه، به‌عنوان یک خصیصه‌ی جغرافیایی و غیرقابل تغییر، همه چیز را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و به‌طور مستقیم عامل بسیار مهمی در شکل‌گیری سیاست خارجی این کشورها می‌گردد. و دیگر این‌که کشورها براساس این خصلت، نوع مقابله را با این منطقه سامان می‌دهند. خواننده، با مطالعه‌ی این عامل، می‌تواند به بسیاری از موارد مطرح شده در مورد این کشورها جواب دهد و موضع‌گیری‌های دیگران را ارزیابی یا پیش‌بینی نماید.

در کل، به‌عنوان نتیجه‌گیری برای این مبحث، با توجه به مطرح کردن

دیگرسازی^۱ دست می‌زند، باید در این دیگرسازی و جدایی مرزها، که یکی از وظایف سیاست خارجی است، به حاکمیت ملی نظر کند. حاکمیت ملی هم با ثبات داخلی قرین است، و ریشه‌ی ثبات داخلی در یک جوّ سلامت‌آمیز در داخل، که به اقوام مربوط می‌شود، پیوند می‌خورد. روابط سیاست خارجی این کشورها در مقابل یکدیگر نیز قابل طرح است؛ زیرا، بخش عمده‌ای از این مسأله در چارچوب سیاست خارجی می‌گنجد؛ در نتیجه، به نیروهایی که باعث تحرک این سیاست خارجی می‌شود، به درستی اشاره می‌گردد. اینک با توجه به موردی که در رابطه با نخبگان مطرح گردیده، این نتیجه‌گیری حاصل می‌شود که در سیاست خارجی، نخبگان نقش بسیار با اهمیتی را ایفا می‌کنند. دیگر این‌که سیاست خارجی، تنها به تدوین روابط خارجی این کشورها با خود یا کشورهای منطقه نمی‌پردازد، بلکه با دنیای خارج از منطقه نیز ارتباط دارد. ورود دیگران به این منطقه نشان دهنده‌ی ارزیابی این کشورها از خود و ارزیابی دیگران از این کشورها است. بنابراین، نقش سازمان‌های منطقه‌ای و

2- Landlocked

1- Making Other

۲- قبول این موضوع که این سرزمین، قبل از آمدن روس‌ها در بربریت بوده، و روس‌ها مأموریت متمدن ساختن این مردم را داشته‌اند؛ یعنی، نادیده گرفتن پیشینه‌ی فرهنگی، تاریخی و تمدنی مردم آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان).

۳- پذیرش واژه‌ی آسیای مرکزی، در هیچ کجای این اثر، در مورد این نوع تقسیم‌بندی، که ناشی از فرض وابستگی‌های جغرافیایی است، سخنی گفته نمی‌شود.

۴- نویسندگان، در مورد عامل اسلام، به‌عنوان یکی از علل مهاجرت اروپاییان مطالبی عنوان کرده‌اند که نمی‌تواند قابل تکیه باشد، و بیش‌تر به دیدگاه‌های منفی این نویسندگان برمی‌گردد، که از سابقه‌ی کمونیستی برخوردارند و با توجه به شرایط کنونی مطرح گردیده است.

این نکته قابل ذکر است که واژه‌ی اصول‌گرایی اسلامی، به دنبال مقاصد خاصی از طرف عده‌ای خاص، در یک روند مشخص و برای عنوان کردن سیاست‌های خاصی عنوان شده است. اگر به تاریخچه‌ی وضع این واژه نگاه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که این

اکثر مواردی که به نوعی متأثر از قومیت‌گرایی هستند، و به‌گونه‌ای با موضوع اقلیت‌ها و دیگر موارد مرتبط می‌باشند، توانسته است در یک ارتباط موضوعی موارد زیادی را در این کتاب تحت یک عنوان مطرح کند، و به گونه‌ای این پیوند را بین قسمت‌های مختلف فراهم آورد، که در نهایت، خوانندگان بتوانند با یک دید واحد، موضوع را تحلیل کنند، و جمع‌بندی قابل قبولی را از کتاب به عمل آورند. نکته‌ی مثبت این کتاب، پوشش دادن تمام موضوعات، فصل‌ها و بخش‌ها در حد امکان، و برقراری پیوند منطقی با عنوان کتاب است.

ب) نقاط ضعف

نکات ضعف این اثر، عبارتند از:

۱- قبول داشتن نوع نگاه جنگ سردی، با فرض دانستن خلاً قدرت در منطقه؛ یعنی، نادیده گرفتن موجودیت این کشورها و قبول آنچه که صاحب‌نظران جغرافیای سیاسی جنگ سرد، نظیر جفری پارکر^۱ به آن معتقدند.

1- Geoffrey Parker

مختصری در مورد روسیه، اشاره نشده و این شاهد دیگری بر قبول مباحث ژئوپلیتیکی دوران جنگ سرد است.

نتیجه گیری

هدف از تألیف این کتاب، بررسی عکس‌العمل‌های اقتصادی، دیپلماتیک و استراتژیک دو قدرت چین و روسیه در مقابل ظهور کشورهای تازه استقلال یافته‌ی آسیای مرکزی، و نقشی که عامل قوم‌گرایی در این رابطه ایفا می‌کند، و شناسایی چشم‌اندازهای این دو قدرت در مقابل اوضاع مغشوش و پیچیده‌ی منطقه‌ی آسیای مرکزی است. برای این منظور، همان‌طور که گفته شد، کالبد شکافی این منطقه برای این دو قدرت، به منظور هم‌آهنگ شدن با تغییرات سریعی که در این منطقه در حال رخ دادن است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. محققین روسی و چینی، برای آرایه‌ی یک چشم‌انداز روشن از منطقه، کتاب را در چهار بخش سازمان‌دهی کرده و به بیان اهم مطالب در مورد شرایط جدید کشورهای آسیای مرکزی پرداخته‌اند. در نهایت با تشریح آن‌چه که در حال حاضر وجود دارد، و پرداختن به

کلمه مورد سوءاستفاده‌ی قدرت‌های منطقه‌ای؛ یعنی، چین و روسیه قرار گرفته و به‌عنوان مانعی برای هم‌گرایی با اقتصاد بازار مطرح شده است، که نمی‌تواند درست و دقیق باشد.

۵- با توجه به موقعیت مذهب در این کشورها، و هفتاد سال حضور مستمر ایدئولوژی کمونیستی، و استفاده‌ی این کشورها در جهت منافع اقتصادی و تأمین منابع مالی از کشورهای مسلمان آیا مذهب باید در یک رابطه‌ی سلبی تحلیل شود یا ایجابی، تناقض وجود دارد.

۶- استفاده از واژه‌ی سرزمین‌های بسته، توضیح داده نمی‌شود، و به نوعی تأیید‌کننده‌ی مناقشات ژئوپلیتیکی جنگ سرد است.

۷- مسایل امنیتی و استراتژیک چین، در رابطه با آسیای مرکزی به‌طور کلان و منطقه‌ای بحث نشده است. اگر چه در جایی دیگر به آن پرداخته شده است، ولی بهتر بود که این موضوع از طرف گردآوردگان این مجموعه مورد عنایت بیشتری قرار می‌گرفت و به‌صورت کلان بحث می‌شد.

در هیچ جای کتاب، به تمایلات امپریالیستی روسیه و چین، به جز

بر جوامع کشورهای آسیای مرکزی، در رابطه با دو کشور روسیه و چین مورد بررسی قرار داده است و می‌تواند به‌عنوان الگویی تحلیلی برای بررسی مسایل قومی مورد استفاده قرار گیرد. این اثر خصوصاً برای کسانی که در مورد مسایل قومی تحقیق و مطالعه می‌کنند، می‌تواند منبع بسیار مفیدی باشد.

سعید وثوقی

چرایی این شرایط، ارتباط دو کشور چین و روسیه با کشورهای این منطقه پیش‌بینی شده است.

باید خاطر نشان ساخت که هدف مطالعه به روشنی تعیین شده، ابزار مطالعه به‌طور سیستماتیک سازماندهی و مهیا شده و در جهت رسیدن به این

هدف، به خوبی مورد استفاده‌ی نویسندگان قرار گرفته است.

در مجموع، این کتاب، اثر محققانه‌ای است که در چارچوب مناقشات قومی، اثرات قومیت‌گرایی را